



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



**مبانی و دیدگاه‌های
حقوقی، فقهی امام
در پیوند با عاشورا**

محمد رضا امین زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبانی و دیدگاه های حقوقی - فقهی امام خمینی در پیوند با عاشورا

نویسنده:

محمد رضا امین زاده

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مبانی و دیدگاههای حقوقی - فقهی امام در پیوند با عاشورا
۶	مشخصات کتاب
۶	پیشگفتار
۷	مقدمه مبانی و دیدگاههای حقوقی - فقهی امام در پیوند با عاشورا
۱۰	نکته ۱
۱۲	نکته ۲
۱۶	موارد و شواهدی از مسائل فقهی امام در پیوند با فرهنگ عاشورا
۱۸	حکومت ولی فقیه
۱۹	تقیه
۲۲	ربا
۲۹	پاورقی
۳۱	درباره مرکز

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد رضا امین زاده

ناشر: محمد رضا امین زاده

پیشگفتار

عاشورا حرکتی الهی بر تارک هستی درخشید و مجلای حق در تمام ابعادش در صحنه قیام و جهاد گشت و آن هنگام که آن دعی بن دعی غروب اسلام را انتظار می کشید و ولوغ و لا-خبر جاء ولا وحی نزل را مزمره می کرد، ناگاه فرزند عصمت و وحی با صلابت رسول الله (ص) و شجاعت علی و نورانیت حسن با تمام هستی خویش در یک نبرد کوتاه اما بی نهایت بامعنا و اخلاص اسلام را از مغربش به جایگاه ثبات آن بازگرداند، تا بار دیگر درخششی ابدی پیدا کرد و ثبوت و ثبات آن را تا قیامت کبری ضامن شد. درخشش عاشورا نه تنها بر اخلاق، عرفان، عقاید، ایمان و بینش انسانها نسبت به حیات دنیوی و اخروی نور افکند، بلکه رفتار و سلوک مکلفین و حقوق فرد و جامعه را تحت الشعاع خود قرار داد. عاشورا هرچند ظهور فعلی اسلام در صحنه پیکار و نبرد بود، ولی پس از آن در صحیفه سجادیه و بعد در حوزه های درسی امام باقر و امام صادق «سلام الله علیهما» و بعدها در حدیث سلسله الذهب از جانب امام علی بن موسی الرضا «صلوات الله علیهما» متجلی گشت و در نهایت به صورت توفیق از سوی حجه بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور یافت و در وجود حاکمیت ولی فقیه متبلور گشت. و خود عاشورا با همه درخششهایش معلول صلح امام حسن (ع) و جنگهای چهار ساله امیرالمؤمنین «علیه السلام» و سکوت بیست و پنج ساله و حدیث ثقلین و غدیر و همه ی اینها

معلول آیه ی «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا» است. اینک که خدا به اسلام رضایت داده، پس هر دولتی و حکومتی غیر از روش و حکومت اسلام محکوم است. قبل از تبیین موارد و شواهدی از دیدگاههای حقوقی، فقهی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در پیوند با فرهنگ عاشورا به بیان یک مقدمه و دو نکته می پردازیم.

مقدمه مبانی و دیدگاههای حقوقی – فقهی امام در پیوند با عاشورا

آنچه جوامع بشری را رنج می دهد و انسانها را در اضطراب ناامنی حقوقی فروبرده، فقر و ناداری ملاکها و معیارهای صحیح حقوقی است. مسائل حقوقی تابع سیاستها و شرایط صرفا مادی است که از هوسها و هواهای نفسانی افراد و یا گروهها مایه می گیرد و به همین جهت از ثبات برخوردار نیست. ظهور فعلی تبعیض در تمام ابعادش و گسترش ظلم به خود و دیگران و فساد در تمام وجوهش معلول همین فقر و ناداری است. عدم وجود قوانین حقوقی، قضایی، حکومتی در یک کشور سبب حاکمیت افرادی می گردد که صفحه=نفسشان را رذایل پوشانده و اعضا و جوارحشان به خیانت غارت اموال عمومی عادت کرده است. و در چنین وضعی است که فساد زمین و دریا را فرامی گیرد [۱] و آدمیان حیات عبث و پوچ پیدا می کنند. تا زمانی که معیارهای دور از واقعیت بر افکار، اعمال و روابط حقوقی (در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، قضایی و حکومتی) جامعه حاکم باشد، سخن از عدالت در تمام جهات، سخن پوچ و بیهوده ای است. و نیز چگونه می توان اصلاح حقوقی را در رفتار و روابط انسانها انتظار کشید، در صورتی که خارج شدگان از مسیر هستی و فروافتادگان در ماهیت و

پندارگرایی بر شئون مردم حکومت می کنند. تا آن زمان که زوزه ی یزیدیان فضای محافل و مجامع را پر کرده و کیسه های زر نفوس را فریفته، توان اجرای عدالت برای حسین و حسینیان وجود نخواهد داشت. پس قیام و انقلابی و نهضتی لازم است تا انسانها را بر غریبال حق زند و آنانی را که دارای حرکت ارادی در مسیر هستی هستند و عدالت حقوقی را در تمام ابعاد خواهانند، بر جایگاه بلند شرف و عزت بنشانند و کسانی را که از حرکت ارادی منفی برخوردارند و حریص و مستانه دست طمع بر حقوق بی پناهان دراز کرده اند، به زیر کشانند و آنگاه بر اساس مبانی و معیارهای صحیح حقوقی به اجرای عدالت سیاسی، اقتصادی، نظامی قضایی و اجتماعی پردازد...قیام عاشورا به همین منظور صورت گرفت. نهضت حسینی فرهنگ جهالت و بی عدالتی را که پرچم آن (به بیان حضرت) در دست آن خمور و فجور بود، به رسوایی کشانند و پلیدی آن را آشکار ساخت. فرهنگ عاشورا، فرهنگ یاری دین در تمام جهات است. فرهنگ ظهور فعلی بخشیدن به همه قوانین اسلام و توجه تام به اسلام محمدی (ص) است. در فرهنگ عاشورا سیاست، فضیلت، علم، اقتصاد، عدالت و عزت انسانی با یکدیگر عجین شده اند، هر یک بدون دیگری بی معنی و نامفهوم است، پوچ و عبث است و در شعاع دیگری فعلیت پیدا می کند. مگر اجرای عدالت سیاسی، حقوقی، اقتصادی جدای از فضیلت و بی توجهی و عزت انسانی امکان پذیر است؟ و آیا فضیلت و عزت انسانی مستقل از ایمان به خدا و رسول و ولایت و اطاعت از آنها شکوفایی و رشد دارد؟ چگونه ممکن است ملتی ملازم

با ستمگران و خناسان باشد و حدود الهی را تعطیل کند و معیار انسانی را در رعایت حق و حقوق فراموش نماید و در عین حال دیندار و اقامه کننده نماز و پرداخت کننده زکات و جهادگر فی سبیل الله و یاری کننده مظلومان و نفی کننده جباران باشد؟ در فرهنگ عاشورا آن کس سزاوار دینداری و یاری کننده دین است که همراه و ملازم با خدا و رسول و ولایت باشد و حسین بن علی - سلام الله علیه - به فرزدق شاعر فرمود: «یا فرزدق ان هؤلاء قوم لزموا طاعه الشیطان و ترکوا طاعه الرحمان و اظهروا الفساد فی الارض و ابطالوا الحدود و شربوا الخمر، و استأمروا فی اموال الفقراء و المساکین، و أنا اولی من قام بنصره دین الله و اعزاز شرعه و الجهاد فی سبيله، لتکون کلمه الله هی العلیا». [۲]. جمله «لتکون کلمه الله هی العلیا» عالی ترین هدف فرهنگ عاشورا و مقصد نهایی اوست. در این مقال به بیان مبانی فقهی و حقوقی بنیانگذار جمهوری اسلامی در ایران حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در فرهنگ عاشورا می نشینیم و در حد بضاعت علمی خویش به تبیین آن می پردازیم، تا روشن گردد که فقه و حقوق آنگاه مساوق با اسلام است که به غایت قصوای اسلام «لتکون کلمه الله هی العلیا» منتهی شود. یاری کننده دین خدا و ابزار گرامی داشتن و استواری شرع مقدس گردد و ملازم با طاعت رحمان و اجرای مدد الهی و صلاح مردم باشد. اموال عمومی را پاس بدارد و به نفی فقر و مسکنت از عموم مردم بپردازد و فرمانبرداری از ولی خدا را تحقق بخشد

و طاغوت و شیطان را به ذلت و زبونی بکشاند. همگامی و پیوند با فرهنگ عاشورا در مسائل حقوقی و فقهی آنگاه امکان پذیر است که در بررسی و تحقیق و کشف قوانین دو نکته کلی را مورد توجه و نظر دقیق داشته باشیم. قبل از پرداختن به مواردی از نظرات عالی فقهی امام (ره) در پیوند و همگامی با فرهنگ عاشورا به تبیین و تفسیر آن دو نکته کلی توجه آن حضرت در مقام بررسی و استنباط به آن نکات اشاره می کنیم.

نکته ۱

اولین نکته ای که لازم است هر محقق اسلامی به آن توجه داشته باشد، این است که بداند آنچه در اسلام به نحو کلی جعل و قرارداد شده است، ریشه در نظام تکوین و آفرینش جهان و لااقل آفرینش انسان دارد و اگر غیر از این بود، مبانی مکتب مسائلی نامفهوم و تحمیلی بر نفس انسان بودند. و با توجه به این کلیات در ضمن جزئیات و افرادشان تحقق و ظهور فعلی پیدا می کنند. مسائل جزئی باید در راستای همان امر کلی جعل و اعتبار شده باشند. آنگاه که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب - صلوات الله علیه - می فرماید: اسلام را آنگونه تعریف کنم که قبل از من کسی تعریف نکرده باشد، و بعد می فرماید: الاسلام هو التسليم، این همان هماهنگی اسلام با اصل نظام هستی است که اگر روی تکوینی و خلقی و جبری عالم تسلیم و وابسته محض در تمام جهات به خداوند متعال است، این روی هستی که همراه با اختیار و اراده است، نیز در همه ابعادش باید وابستگی خالص به خالق و رب تعالی داشته باشد. و آیه ۸۳ از سوره

آل عمران بیانگر همین نکته کلی است، که فرمود: «افغیر دین الله بیغون و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون» [۳]. اختیار کردن دینی غیر از دین خدا خروج از اصل توحید و اصل وابستگی محض به الله است. همانگونه که موجودات در آسمانها و زمین خواه ناخواه تسلیم در برابر ذات ربوبیت هستند و به او بازگشت می کنند، شما (ای کافران، و معاندان و...) باید تسلیم باشید، چرا در غیر دین خدا داخل می شوید و از مسیر هستی و هماهنگی با روی تکوینی هستی خارج می شوید؟! اگر حقیقت دین ریشه در نظام تکوین نداشت و هماهنگ نبود، جایی برای این اعتراض نبود و به همین جهت است که استثنایی وجود ندارد. همگان در هر موقعیت فکری، مکانی، و زمانی باید داخل در اسلام شوند و این باید هر چند اعتباری ارادی و اختیاری است، لکن متکی بر واقعیتی است که ثبات دارد و متغیر نیست. روی این مبنا نه تغییر می کند و نه استثنا می پذیرد. «یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین» [۴]. شرط نجات از خطوات شیطان منحصر در ورود به سلم است و سلم به بیان مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله علیه همان اسلام و تسلیم است. [۵]. بر اساس همین مطلب دینی جز اسلام مورد قبول نیست؛ زیرا غیر آن با نظام هستی در تضاد است و هماهنگ نیست، و به عبارت دیگر واقعیت ندارد؛ زیرا که ریشه در نظام تکوین ندارد. «و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین» [۶]

چنانچه بعد از ایمان کسی کافر شود، و یا آنانی که بر کفر خویش باقی ماندند، گمراه بوده، یعنی (خروج از مسیر هستی وابسته به الله دارند) هرگز (عملی از آنها) قبول نخواهد شد و در عذاب جاوید خواهند ماند. ان الذین کفروا بعد ایمانهم ثم ازداد و کفرا لن تقبل توبتهم و اولئک هم الضالون. ان الذین کفروا و ماتوا و هم کفار فلن یقبل من احدهم ملء الارض ذهبا و لو افتدی به اولئک لهم عذاب الیم و ما لهم من ناصرین» [۷]. در نظر امام - رضوان الله تعالی علیه - نظام اتم اعم از نظام تکوین و تشریح است و عالم تشریح جزئی از نظام اتم است که تابع نظام ربانی است. «و لیعلم ان ایحاء الوحی و انزال الکتب و ارسال الرسل جزء من النظام الاتم الکیانی التابع للنظام الاجمل الربانی» [۸].

نکته ۲

نکته دیگری که یک محقق اسلامی بخصوص یک فقیه باید در نظر داشته باشد؛ توجه فراگیر و همه جانبه به اسلام است. به این نحو که در بررسی هر مسأله از مسائل اسلامی، مسائل دیگر اسلامی هر چند کلی و احیانا جزئی را در نظر بگیرد؛ زیرا دستورات و قوانین اسلامی اموری به هم پیوسته اند و هیچ قانونی مستقل و بدون توجه به جوانب دیگر فروفرستاده نشده است و در تضاد و تناقض با یکدیگر نیستند؛ زیرا نظام توحیدی و آنچه وابسته به این نظام است، تضاد و تناقض پذیر نیست. در مسیر هستند و به یک مقصد و هدف منتهی می شوند. و توجه به این نکته فوق تمام عناوین و قواعد فقهی و اصولی است. بیان یک مطلب

حقوقی و فقهی و به طور کلی یک حاکم شاید بر اساس قواعد و عناوین صحیح باشد، ولی اگر آن را با مجموع مسائل اسلامی ملاحظه کنیم، در تضاد و تناقض با اصول دین و مبانی اخلاقی و هدف نهایی و شئون دیگر باشد و در این صورت، حاکمیت اصل عدم تضاد و تناقض در دین نیز حاکمیت صحت حکم در صورت هماهنگی با دیگر قوانین دینی و کافی نبودن مطابقت با عناوین و قواعد، فقیه را ملزم می کند که حکم نکند و فتوا ندهد. و با توجه به این قاعده به تحقیق خود تا به دست آوردن حکم واقعی ادامه دهد و یا به نحو مطلوب وظیفه مکلف را تعیین کند. این که قرآن بیان می دارد، باطل راه به اسلام ندارد [۹] و چون از جانب خداست، در مسائل آن اختلاف و تناقض نیست، [۱۰] به جهت وجود همین نکته و مطلب است که احکام، قوانین و دستورات همه جانبه اسلام با انسجام و هماهنگی با هم نازل شده اند. احکام حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تقیه، زکات، خمس، نماز و مسائل اخلاقی و حکومتی و... با توجه به یکدیگر فرود آمده و بر قلب پاک رسول نازل شده اند، و تمام اینها از اصل توحید ناشی می شوند. اسلام برای هدایت انسانی نازل شده که از ابعاد متضاد برخوردار است و روی این لحاظ برای تمام این ابعاد برنامه و حکم دارد. ایجاد هماهنگی بین این ابعاد و آنها را در مسیر واحد انسانی قرار دادن و به عبارت دیگر تضاد و تزاخم بین خواستها در ابعاد را رفع کردن حکم می کند، که مسایل،

احکام و قوانین اسلامی از نوعی انسجام برخوردار باشند یکدیگر را نقض و نفی نکنند، مؤید یکدیگر باشند، سیاست آن جدای از برنامه های تربیتی و اخلاقی، و این برنامه ها جدای از مسائل اقتصادی و حقوقی و تمام اینها منفک از حقیقت عبودیت و احکام و دستورات آن نباشد. اینها طوری باید تبیین و تقنین شده باشند که پاسخگوی هر بعد از ابعاد وجود انسان به فراخور ظرفیت و مرتبه خاص وجودیش باشند، و در عین حال مراتب نازل را با مرتبه عالی وجودی و بعد انسانی هماهنگ کرده و در صراط مستقیم عبودیت قرار دهند. امام رضوان الله علیه در یکی از بیاناتشان چنین فرمودند: «شما وقتی اسلام را ملاحظه می کنید به حساب ابعاد انسانیت او، طرح دارد، قانون دارد، از قبل از اینکه انسان به این دنیا بیاید، قبل از اینکه پدر و مادر انسان ازدواج کند، طرح دارد، برای اینکه این بذر را خوب تربیت کند... قرآن کتاب انسان سازی است. انسان به همه ابعاد... همه ابعاد مورد نظرش هست...» [۱۱] و در دیدگاه آن بزرگوار تمام این ابعاد باید در مسیر عبودیت حضرت حق قرار گیرند. و این همان رشته انسجام و هماهنگی بین تمام ابعاد است. و همین نکته رمز پیوند مبانی امام «ره» در همه مسائل اسلامی از جمله در مسائل فقهی و حقوقی در پیوند با فرهنگ عاشورا است؛ زیرا پیام عاشورا این است که باید همه شئون زندگی در شعاع سیاست اسلامی و حکومت الهی رنگ خدایی پیدا کند و پیام عاشورا این است که انسان و اسلام را باید در تمام ابعاد ملاحظه کرد. «اسلام همه چیز است آقا؛ اسلام آمده

انسان درست کند و انسان همه چیز است، همه عالم است انسان، آن که مربی انسان است. باید همه عالم را آشنا بر آن باشد و انسان را به همه مراتب آشنا به آن باشد، تا بتواند این انسان را به آن مدارجی که دارد برساند. اسلام را به همه جهاتش بشناسد... ادعای اسلام شناسی جز برای آنکه همه جهات اسلام را بداند، چه جوری است و همه مراتب معنویت اسلام و مادیت اسلام را بداند، او می تواند بگوید من اسلام شناسم، علی بن ابیطالب - علیه السلام - اسلام شناس است...» [۱۲]. با توجه به نکته دوم، شخص فقیه و حقوقدان اسلامی باید، ابتدا یک اشراف کلی و جامع بر تمام مسائل اسلامی داشته باشد و با آن اشراف کلی و جامع تام به تحلیل و بررسی مسائل وارد شود. اگر از یک جنبه و یا چند جنبه محدود به بیان قوانین پردازد، چه بسا به اشتباه بیفتد و همان حکمش در تناقض با اهداف عالی اسلام قرار گیرد. توجه تام و کامل امام - رضوان الله علیه - به دو نکته فوق (اصل هماهنگی بین دو نظام - تشریح و تکوین - و اصل اشراف کلی بر تمام مسائل مکتب) سبب شده که در مقام استنباط، احکامی را استفاده کند که پیوندی خاص با مکتب و فرهنگ عاشورا دارد. احکامی که اولاً رابطه مستقیم با مرتبه انسان دارد و با فطرت انسانی هماهنگ است و ثانیاً با توجه همه جانبه به اسلام تبیین شده است. و دیگر این که ملازم و همراه با یاری و استواری اسلام، طاعت خدا، اجرای حدود، نفی شیطان و فساد

است. و هر گونه سوءاستفاده را از افراد فرصت طلب و سود جو می گیرد. و خلاصه این که مبنای امام - رضوان الله تعالی علیه - در مسائل فقهی قبل از قواعد اجتهادی و فقهی توجیه لازم به آن دو نکته است. به جهت استشهاد به موارد اندک از آنچه امام در مقام استنباط بیان فرموده می پردازیم.

موارد و شواهدی از مسائل فقهی امام در پیوند با فرهنگ عاشورا

در قاعده لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام غالب علما در مقام بحث آن را حمل بر احتمالاتی کرده اند. ۱- لا ضرر، نفی حکم شرعی است که ضرر بر عباد باشد. ۲- لا ضرر ادعای نفی حقیقت ضرر است به جهت نفی اسباب ضرر. ۳- لا ضرر... از قبیل نفی حکم است به بیان نفی موضوع، که نفی به معنای حقیقی خودش آمده نه به معنای نفی. ۴- آنچه نفی شده ضرری است که قابل تدارک نیست. امام رضوان الله علیه پس از بررسی مفصل احتمالات و پاسخ تفصیلی به آنها مختار خویش را پس از ذکر چند مقدمه چنین بیان داشته اند. «... التامل فی صدر القضیه و ذیلها و شأن صدور الحدیث مما یکاد ان یشرف الفقیه بالقطع بان لا ضرر و لا ضرار حکم صادر منه - صلی الله علیه و آله - بنحو الامریه و الحاکمیه بما انه سلطان و دافع للظلم عن الرعیه، فان الانصاری لما ظلم و وقع فی الحرج و المضیق بورود سمره بن جندب هذا الفاسق الفاجر علی اهل من غیر استیذان منه و فی حاله یکره و روده علیه و هو شکا الی رسول الله - صلی الله علیه و آله - بما انه سلطان و رئیس علی المله حتی دفع الظلم عنه، فارسل رسول الله

اليه فاحضره و كلمه بما هو في الاخبار فلما تأبى حكم بالقطع و دفع الفساد و حكم بانه لا يضر احد اخاه في حمى سلطاني و حوزه حكومتي، فليس المقام مقام بيان حكم الله و ان الاحكام الواقعيه في لا ضرر فيها و انه تعالى لم يشرع حكما ضروريا و اخباره تعالى نهى عن الضرر، فان كل ذلك اجنبي عن المقام فليس لها شبهه و لا موضوعيه، بل لم يكن شئ الا تعدى ظالم على مظلوم و تخلف طانع عن حكم السلطان بعد امره بالاستيذان فلما تخلف حكم بقلع الشجره و امر بانه لا ضرر و لا ضرار اى الرعيه ممنوعون عن الضرر و الضرار دفاعا عن المظلوم و سياسه لحوزه سلطانه و حمى حكومته» [١٣]. امام رحمه الله عليه با اشراف كامل بر مسأله رسالت و نبوت و وظائف رسول الله (ص) و با توجه به تعبيرات خاص در حديث و نظر دقيق به قضيه، كشف مي كند، كه در حوزه حكومت اسلامي و ولايت امر ظلمي از ناحيه شخصي يا اشخاصي نبايد وجود پيدا كند، و در صورت ظهور ظلمي بر حاكم اسلامي است كه با قوه ي قهریه خویش آن ظلم را دفع كند. و با رجوع به احتمالات ديگر روشن مي شود كه بدون توجه به اشراف كامل بر وظائف رسول (ص) مطلب مورد بحث واقع شده است. و علاوه بر مسأله اشراف كامل بر وظائف رسول الله (ص) توجه لازم به قاعده ي هماهنگی بين نظام تكوين و تشريع شده است. و آن اينكه احكام و قوانين حقوقی اسلام ضرری نیست؛ زیرا كه در بردارنده وابستگی محض به خدا و سبب تقرب و ظهور انسانیت و

رسیدن به فوز عظیم الهی است. شارع مقدس به طور کلی چنین جعل و تشریحی ندارد، تا سخن از نفی در حکم شرعی باشد. از جانب حکیم مطلق آنگاه که حکمی نازل شود، عین عدل و مصلحت است و آنجا که حکمی نیامده، چیزی وجود ندارد تا سخن از ضرر و عدم آن باشد. پس شکی نیست در این که لا- ضرر و لا- ضرار مطلبی است که در حوزه سلطان و حاکم مسلمین مطرح است آنچنانکه در کلام حضرت امام (ره) بیان شد.

حکومت ولی فقیه

از جمله مسائل اختلافی بین فقها ولایت تام فقیه در عصر غیبت است. گروه کثیری به ولایت مطلقه ای که رسول و ائمه - سلام الله علیهم - در شئون زندگی فردی و اجتماعی دارند؛ برای فقیه معتقد نیستند. و چنین اعتقادی برخاسته از نداشتن اشراف کامل بر احکام و قوانین اسلام در جهات مختلف. و نیز نادیده گرفتن قاعده هماهنگی بین نظام تشریح و تکوین می باشد. اگر توجه می شد که خداوند به تسلیم و وابستگی محض ارادی بندگانش در مقابل غیر راضی نیست و توجه می شد که آیه «ایحسب الانسان ان یترک سدی» [۱۴] حاکمیت بر تمام زمانها، مکانها و همه شئون انسانها دارد و با توجه به چنین بینشی به بررسی روایت وارده در مسأله قضاوت و حکومت فقیه می پرداختند، بطور مسلم رأی و نظری چون امام راحل - رحمه الله علیه - می داشتند که فرمود: «فبقول: انا نعلم ضروریا بان النبى - صلى الله عليه و آله - المبعوث بالنبوه الختمیه اکمل النبوات و اتم الادیان بعد عدم اهماله جمیع ما یحتاج الیه البشر حتی آداب النوم و الطعام

و حتى ارش الخدش لا- يمكن ان يهمل هذا الامر المهم الذى يكون من اهم ما يحتاج اليه الامه ليلا و نهارا فلو اهمل و العياد بالله - مثل هذا الامر المهم اى امر السياسه و القضاء لكان تشريعه ناقصا و كان مخالفا لخطبه فى حجه الوداع و كذا لو لم يعين تكليف الامه فى زمان الغيبه و تطاولها كان نقصا فاحشا على ساحه التشريع و التقنين يجب تنزيها عنها. فالصوره قاضيه بان الامه بعد غيبه الامام - عليه السلام - فى تلك الانصفه المتطاوله له تترك سدى امر السياسه و القضاء الذى هو من اهم ما يحتاجون اليه خصوصا مع تحريم الرجوع الى سلاطين الجور و قضاتهم و تسميته رجوعا الى الطاغوت و ان المأخوذ بحكمهم سحت و لو كان الحق ثابتا و هذا دافع بضروره العقل، و يدل عليه بعض الروايات... فاذا علم عدم اهمال جعل منصب الحكومه و القضاء بين الناس فالقدر المتقين هو الفقيه العالم بالقضاء و السياسات الدينيه العادل فى الرعيه...» [١٥].

تقيه

اگر موضوع تقيه را از زاويه عموميات روايات آن ملاحظه كنيم و روايات دفع ضرر و نفى حرج و حديث رفع را در جنب موضوع تقيه و روايات آن قرار دهيم، چنين نتيجه مى گيريم كه هرگاه در جمع مخالفين و كفار در ارتباط با دينت و يا انجام واجبي و يا ترك حرامى و يا حفظ مذهب دچار حرج، ضرر و اضطراب شدى، تقيه كن، واجب را ترك كن، حرام را مرتكب شو، و از حفظ و نگهدارى دين و مذهب دست بردار؛ زيرا ادله ي تقيه و نفى ضرر و حرج و نيز حديث رفع حاكم بر ادله واجبات و

محرمات است. چنانکه نوشته اند: «ثم الواجب منها (تقيه) يبيح كل محظور من فعل الحرام و ترك الواجب و الاصل في ذلك ادله نفى الضرر و حديث رفع عن امتي تسعه اشياء و منها ما اضطروا اليه و مضافا الى عمومات التقيه مثل قوله في الخبر ان التقيه واسعه ليس شي من التقيه الا و صاحبها مأجور و غير ذلك من الاخبار المتفرقه في خصوص الموارد و جميع هذه الادله حاكمه على ادله الواجبات و المحرمات فلا يعارض بها شيء منها حتى يلتمس الترجيح و يرجع الى الاصول بعد فقده...» [۱۶]. چنین دیدی در مورد تقيه ناشی از بررسی این مسأله جدای از مجموعه دیگر مسائل و نادیده گرفتن هدف دینداری و توجه نداشتن به حکمت جعل تقيه است. حکمی که شارع مقدس جعل و اعتبار می کند باید تثبیت کننده دین نه نقض کننده و نافی اصل دین باشد. حاکمیت ادله تقيه و... بر ادله واجبات و محرمات به نحو مطلق به گونه ای که هیچ تعارضی بین آن دو دیده نشود، نقض و نفی دین را به همراه دارد. و چنانچه این رأی و نظر را بپذیریم (نعوذبالله) باید حسین بن علی سلام الله علیهما را ناقض حکم خدا بدانیم، زیرا کافی بود که بر اساس اصل تقيه با یزید بیعت کند و خود و خانواده و اصحابش را از جهاد و اسارت نجات دهد، ولی در اینجا حرمت بیعت با یزید که هدم دین و اساس کیان اسلام و تشیع را به همراه دارد حاکم بر دلیل تقيه، نفی حرج و نفی ضرر و حاکم بر حدیث رفع می شود و اگر گفته شود این مطلب اختصاص

به آن حضرت (ع) داشت چون در مقام رفیعی قرار دارد و شخصی چون او اگر با یزید بیعت می کرد، امضای شرعی و قانونی بر اعمال پلید و حاکمیت او بود، و به همین جهت حاضر به بیعت نشد. پاسخ این است که بر فرض که چنین باشد چرا حضرت (ع) مردم را به تبعیت از خود و جهاد و کشته شدن در این راه ترغیب می کند. لازم نبود پیام بفرستد، خطبه بخواند، بیعت نمی کرد و در همان مدینه می ماند و بیعت دیگران هم که خلاف شرع نبود تا حضرت (ع) منع از آن کند ولی حضرت (ع) دعوت به مبارزه می کرد، چنانکه به عبیدالله فرزند حر جعفی فرمود: «فالا تنصرونا فاتق الله ان لا تكون ممن یقاتلنا فوالله لا یسمع و اعیتنا احد ثم لم ینصرنا الا هلك» [۱۷]. نداشتن اشراف کلی بر مبانی و مسائل اسلامی، سبب تنگ نظری در بررسی حقایق دینی می شود. حضرت امام - رضوان الله علیه - با توجه به اشراف کامل بر حقایق دینی و اینکه دین به عنوان ربط بین هستی انسان در بعد ارادی و هستی خدای بزرگ و هماهنگی آن با نظام تکوین، به دلیلهای فقهی نگاه می کند. و با رأی و نظری عالی در مورد تقیه حکم الهی آن را بیان می دارد. و وجوب، استحباب و مباح بودن تقیه را تا جایی می پذیرد که حافظ دین باشد، ولی آنجا که تقیه به صورت ناقص و نافی دین درآید و مانع ربط و وابستگی ارادی بین بنده و خدا باشد، آن را مرضی شارع مقدس ندانسته و چنین تقیه ای را خروج از مسیر دین می داند. «بعض المحرمات

و الواجبات التي في نظر الشارع و المتشرعه في غاية الاهميه مثل هدم الكعبه و المشاهد المشرفه بنحو يمحوا الاثر و لا يرجى عوده، مثل الود على الاسلام و القرآن و التفسير بما يفسد المذهب و يطابق الالحاد و غيرها من عظام المحرمات، فان القول بحكومه نفى الحرج او الضرر و غير هما على ادلتها بمجرد تحقق عنوان الحرج و الاضطراب و الاكراه و الضرر و التقيه بعيد عن مذاق الشرع غايته... و من هذا الباب ما اذا كان المتقى ممن له شأن و اهميه في نظر الخلق بحيث يكون ارتكابه لبعض المحرمات تقيه او تركه لبعض الواجبات مما يعد و هنا للمذهب و هاتكا لحرمة كما لو اكره على شرب المسكر و الزنا مثلا فان جواز التقيه في مثله نسبتا بحكومه دليل الدفع و ادله التقيه مشكل بل ممنوع... و اولى من ذلك كله في عدم جواز التقيه في ما لو كان اصل من اصول الاسلام او المذهب او ضروري من ضروريات الدين في معرض الزوال و الهدم و التغيير... ضروره ان تشريعها لبقاء المذهب و حفظ الاصول و جمع شتات المسلمين لا قامه الدين و اصوله فاذا بلغ الامر الى هدمها فلا تجوز التقيه...» [١٨].

ربا

رأى و نظر دقيق و صائب حضرت امام - اعلى الله مقامه الشريف و نور الله مضجعه - در مسأله تحريم ربا و تحريم حيله هاى ربا از جمله نظرات دقيق فقهى و حقوقى ايشان در پيوند با فرهنگ عاشورا است، كه فرهنگ نفى فساد و ظلم و تثبيت عدالت و خارج ساختن حكم خداوند متعال از لغويت است. در حالى كه بسيارى از فقها به تجويز عمل

به حیل ربا فتوا داده اند. شکی نیست در این که اگر به صرف تطبیق قواعد و صدق عناوین اکتفا کنیم، موضوع حیل‌های فرار از ربا حکم حلیت پیدا می‌کند و رضایت شارع مقدس از آن کشف می‌شود؛ زیرا حیل ربا عنوان ربا را به عنوان بیع یا به عنوان هبه تبدیل می‌کند. و طبق ادله حلیت بیع و هبه عمل، مجوز شرعی پیدا می‌کند. به هر حال راه‌های حیل‌ها باعث شده که هم عنوان را عوض کنیم و دیگر اینکه قاعده حلیت را جاری سازیم. اما اگر همین مسأله حیل ربا را با نظر دقیق به قاعده هماهنگی احکام شرعی به نحو کلی با نظام فطرت و تکوین و این که مسائل جزئی و فرعی در مطابقت با این قاعده جعل و قرار داده می‌شوند. و با دقت کامل به قاعده «توجه فراگیر و همه جانبه به اسلام» ملاحظه کنیم، حیل فرار از ربا را حرام و اموری باطل خواهیم دانست. و روایاتی را که در مورد حیل ربا وارد شده، با توجه به بینشی کلی و تام که اسلام راجع به امامان معصوم - علیهم السلام - به ما می‌دهد، تفسیر و تحلیل خواهیم کرد و بنگریم که چگونه حضرت امام «ره» به تحلیل روایات در حیل ربا و استنباط حکم ربا پرداخته اند. حضرت امام - که درود خدا و تمام انبیا و رسولان و اوصیا و اولیا و فرشتگان و همه مخلصان بر او باد - پس از بیان حکم ربا و بیان روایات حیل و فراز از ربا چنین نگاشته اند: «... نعم هنا کلام یجب التعرض له و ان کان خارجا عن محط البحث لا همیه و

عدم تحقیق الحق فيه، و هو ان الربا مع هذه التشديدات و الاستنکارات التي و رد فيه في القرآن الكريم و سنه من طريق الفريقين مما قل نحوها في سائر المعاصی و مع ما فيه من المفسد الاقتصاديه و الاجتماعيه و السياسيه مما تعرض علماء الاقتصاد كيف يمكن تحليله بالحيل الشرعيه كما وردت بها الاخبار الكثيره الصحيحه، افتى بها الفقهاء الامن شد منهم و هذه عويصه بل عقده في قلوب كثير من المتفكرين و اشكال من غير منتحلي الاسلام على هذا الحكم، و لابد من حلها و التثبت له بالتعبد في مثل هذه المسأله التي ادركت العقول مفسد تجويزها و مصالح منعها بعيد عن الصواب...» پس از بیان مطلب فوق امام «ره» به حل این عويصه پرداخته، ابتدا به عنوان مقدمه، ربا را به دو قسم ربای معاوضی که جاری در نقود و در مکیل و موزون مانند: حبوبات و... است و ربای قرضی تقسیم کرده و ربای معاوضی را به دو قسم تقسیم فرموده: ۱- قسمتی که بین مثلین تفاضل در قیمت وجود داشته باشد، مانند صنف اعلاى از حبوبات با صنف پست و مثل لیره انگلیسی و یا لیره عثمانی و... ۲- قسمی که بین مثلین تفاضل نیست مانند دینارین از یک صنف و دو کیل از یک نوع گندم، ربای قرضی را با توجه به کتاب و سنت حرام دانسته و آنگاه به بیان چند روایت در علت تحریم ربای قرضی پرداخته اند. و تفسیر امام «ره» در ربای معمالی این است: و اما قسم اول از ربای معمالی بر حسب عرف و عقلا مصداق ربا نیست، زیرا قیمت یک من برنج اعلاى خوش بو، زمانی

که مساوی با دو من از غیرش باشد، آن را معامله ربوی نمی گویند؛ زیرا نفع و زیادی جز از نظر حجم صورت نگرفته است و زیادی حجمیه میزان سود و زیادتی در تجارت نیست... به هر حال چنین مبادلاتی دارای فساد و ظلم نیست و سبب انصراف مردم از تجارت و زراعات که معلول ربا است، نمی شود. اما قسم دوم از ربای معاملی طبق روایات علت تحریم همراه با فساد و ظلم است. و باید توجه داشت که آن عویصه و عقده ای که به آن اشاره شد، در جایی است که ماحیل ربا را در ربای قرضی و در ربای معاملی قسم دوم تجویز کنیم. اما تجویزش در قسم اول از ربای معاملی اشکالی ندارد. زیرا مثلثیات مانند سایر متاعهای دیگر دارای نوسانات در قیمت است که بالا و گاهی پایین می آید و خریدن یک من از گندم اعلاء در مقابل دو من گندم پست و یا خریدن یک درهم به دو درهم از غیر صنفس مشکل و فساد را ایجاد نمی کند. «بل لعل سر تحریم الشارع المقدس المبادله فیها الا- مثلا- بمثل خارج عن فهم العقلا و انما هو تعبد، فالحیله فی هذا القسم لا اشکال فیها و اما القسمان الا-خران ای الربا القرضی و المحامل الذی یعامل ربویا قلما یرد فیها حیلہ علی ما یأتی الکلام فیہ الا فی بعض الاخبار القابله للمناقشه فیها سندا و متنا...» و بر فرض که اخبار صحیحی در مورد حیل و فرار از آن دو وارد شده باشد، باید تأویل شود و یا علمش به صاحبش رد شود؛ زیرا روشن است که حیل، موضوع را از ظلم و فساد

خارج نمی کند...» (و ان شئت قلت: لو ورد نص فی الجواز كان مناقضا للكتاب و السنه المستفیضه، و لیس ما تقبل التقیید و التخصیص. و بر فرض، آنچه از ظلم و فساد در ربا ذکر شده علت ندانیم و بگوییم روایات حیل از قبیل تقیید و تخصیص است، عویصه دیگر در اینجا وجود دارد و آن این که حیل سبب لغویت جعل حرمت ربا است؛ زیرا: «تحریم الربا لنکته الفساد و الظلم و ترک التجارات و تحلیلہ بجمیع اقسامه و افراده من تغییر عنوان لا- یوجب نقصا فی ترتب تلك المفاسد من قبیل التناقض او اللغویہ فیہ. ثم انه لو كانت الحیلہ بتلك السهولہ مصححہ لا کل الربا نتیجہ قلم لم ینبہ علیہا رسول الله نبی الرحمہ - صلی الله علیہ و آله - لئلا یقع الامر الامه فی ذلك الحرام الذی هوا یذان بحرب من الله و رسوله و درهم منه اعظم من سبعین زنیہ بذات محرم و فی نقل أنه - صلی الله علیہ و آله - كتب الی عامله فی مکة بقتال المرابین ان لم یکفوا عن المراباه فلو كان الانتفاع بمثل الربا جائزا بسهولہ و انما یحتاج الی ضم شیء الی شیء او تغییر کلام لما احتاج الی کلفه القتال و قتل النفوس، بل كان علیہ - صلی الله علیہ و آله - یعلم طریق الحیلہ حفظا لدماء المسلمین...». این رأی بلند امام بزرگوار - رضوان الله تعالی علیہ - در تحلیل مسأله حیل ربا بیانگر بینش تام و کامل و بسیار عالی درباره اسلام و مسائل اسلامی و نشانه اشراف همه جانبه بر فقه و حقوق و فرهنگ تربیتی اسلام و دلیل بر پیوند

با فرهنگ عاشورا است، که فرهنگ ظلم ستیزی و جنگ و مبارزه با فساد و نفی باطل است. و نیز با نگاه عرفانی و حقیقی که به مقام بارزائمه - سلام الله عليهم - کرده، در مورد روایاتی (که بیان می دارد که امام باقر (ع) مرتکب این حيله ها شده اند) می فرماید: «و انت خبير بأن بعض الاعمال - و ان كان مباحا فرضا لا يرتكبه المعصوم (ع) المنزه عن ارتكاب ما هو موجب لتنفير الطباع، كتحصيل النفع بالحيله و كاتيان النساء من الخلف، فهذا و اشباهه لو كانت مباحه لم يرتكبه الامام (ع)... فمثل هذه الروایات غير قابله للعمل لا شتماله على امر منكر... فتلك الروایات و ما هي لازم مفادها تحصيل الربا و الحيله في اكل الربا مما قال المعصوم (ع) في حقها: «ما خالف قول ربنا لم نقله» او «زخرف» او «باطل» الى غير ذلك...» [۱۹]. آنچه حقیقت فرهنگ عاشورا را تشکیل می دهد، این است که حرکت انسان در مقام اندیشه و عمل منتهی به «کلمه الله هی العیا» شود، در صورتی که حرام خدا را با راههای حيله حلال کردن و دارای چنین اندیشه و بینشی نسبت به قوانین حقوقی و فقهی و دیگر مسائل اسلامی بودن، نفی «کلمه الله هی العیا» است. آنجا که شخصی خروج از مسیر الله داشته باشد، هر چند بتوانیم این خروج را با عوض کردن عناوین و یا برخی قواعد توجیه و تحلیل کنیم، هرگز تبدیل به حرکت در مسیر الله نخواهد شد. با سیر اجمالی در کتب فقهی امام - رضوان الله علیه - به موارد و شواهد بسیاری برخورد می کنیم که آن ابرفقیه در مقام تحلیل

و بررسی و تفسیر روایات و آیات و به کارگیری قواعد فقهی و اصولی در مقام بیان مسائل فقهی و حقوقی توجه تام و کامل به دو نکته ای دارد که در صدر مقاله توضیح داده شد. دو نکته ای که حاکمیت آن بر همه عناوین، قواعد و اصول قطعی بوده و هیچ جای شبهه و اشکالی ندارد. و ما در حد گنجایش این مقاله به بیان اندکی از موارد و شواهد آن پرداختیم. به انتظار آنکه صاحب نظران با نظر عمیق به مبانی فقهی امام (ره) به تبیین کامل موارد و شواهد فقهی و حقوقی امام در پیوند با فرهنگ عاشورا پردازند. در پایان توصیه امام (ره) را در مورد حفظ اعتدال در تحصیل مبانی اصول فقه متذکر می شویم: امام اخباریین را که منکر اصول فقه هستند، افراط گرا دانسته و آنانی را که نظر استقلالی به علم اصول می کنند، در جانب تفریط قرار داده است. «و الانصاف ان انکار هم فی جانب الافراط کما ان کثره اشتغال بعض طلبه الاصول و النظر الیه استقلالا، توهم انه علم برأسه و تحصیله کمال النفس و صرف العمر فی المباحث الغیر المحتاج الیها فی الفقه لهذا التوهم فی طرف التفریط و العذر بان الاشتغال بتلك المباحث یوجب تشیید الذهن و الانس بدقائق الفن غیر وجیه فالعاقل الضنین بنقد عمره لابد من ترک صرفه فیما لا یغنی و بذل جهد فیما هو محتاج الیه فی معاشه و معاده و هو نفس مسائل علم الفقه الذی هو قانون المعاش و المعاد و طریق الوصول الی قرب الرب بعد علم الاصول بمقدار محتاج الیه و هو ما یتوقف علیه الاستنباط و یتربک فضول مباحثه او

یقلله و صرف الهم و الوقت فی مباحث الفقه خصوصا فیما یحتاج الیه فی عمله لیلا و نهارا». قدردانی و تشکر عمیقم را نسبت به دست اندرکاران و برگزار کنندان کنگره بین المللی امام خمینی (ره) و فرهنگ عاشورا که در راه اشاعه افکار بلند امام - رضوان الله تعالی علیه - در ابعاد مختلف صادقانه تلاش می کنند، ابراز می دارم و از خداوند متعال موفقیت آنان را مسئلت دارم. صلی الله علی روح الله و رحمه الله و برکاته.

پاورقی

[۱] آل عمران، آیه ۴۱.

[۲] موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، ص ۳۳۶.

[۳] آل عمران، آیه ۸۳.

[۴] بقره، آیه ۲۰۸.

[۵] المیزان، ج ۲، ص ۱۰۳.

[۶] آل عمران، آیه ۸۵.

[۷] آل عمران، آیات ۹۰-۹۱.

[۸] که تابع اجمل ربانی است. (کتاب طلب و اراده، ص ۴۷).

[۹] و انه لکتاب عزیز، لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید (فصلت، آیه ۴۲).]

[۱۰] افلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافا کثیرا، (نساء، آیه ۸۲).

[۱۱] صحیفه نور، ج ۸، ص ۷۲.

[۱۲] صحیفه نور، ج ۸، ص ۷۲.

[۱۳] الرسائل، ص ۵۵-۵۶.

[۱۴] سوره القیامه، آیه ۳۶.

[۱۵] الرسائل، امام خمینی، ص ۱۰۱-۱۰۲.

[۱۶] کتاب المکاسب، ص ۳۲۰ «بعد رساله فی التقیه».

[١٧] موسوعه كلمات الامام الحسين (ع)، ص ٣٦٧.

[١٨] الرسائل، ص ١٧٧-١٧٨.

[١٩] كتاب البيع، ج ٢، ص ٤٠١، ٤٠٤، ٤١٦.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

